

یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۵ - ۱۸ صفر ۱۴۴۸ - ۲ آگوست ۲۰۲۶

www.nasimnews.com

روزنامه صبح ایران

صنعت دارو روی لبه تیغ؛

در تولید دارو خود کفا هستیم اما زیر سایه واردات

در صفحه ۲

در صفحه ۲

ابهام در مدیریت سبد ۲۲۰۰ همتی سهام عدالت؛ وزارت اقتصاد شفاف سازی کند

در صفحه ۸

قالیباف: شرط ایران قوی، وحدت حول محور ولایت است؛ ما در جنگ پیروز شدیم

در صفحه ۲

شمال ایران و کابوس تکراری سیلاب؛ وقتی سیل وعده‌های مدیران را برد

فرزندآوری دیگر در یک خط مستقیم میان "سنت و هویت" حرکت نمی کند، بلکه در چرخ دنده‌های منطق فردگرایی، محاسبه‌گری‌های اقتصادی و سبک زندگی مدرن بازتعریف شده است.

در سال‌های اخیر، ورق تحولات جمعیتی در ایران برگشته است؛ مسئله‌ای که روزگاری یک تصمیم کاملاً شخصی، درون‌خانوادگی و متأثر از سنت‌های هنجاری بود، امروز به یک دغدغه کلان ملی و یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری تبدیل شده است.

حقیقت این است که در بستر جامعه امروز، فرزندآوری دیگر در یک خط مستقیم میان "سنت و هویت" حرکت نمی کند، بلکه در چرخ دنده‌های منطق فردگرایی، محاسبه‌گری‌های اقتصادی و سبک زندگی مدرن بازتعریف شده است. کاهش نرخ باروری در ایران و سقوط آن به زیر سطح جانشینی، صرفاً یک آمار سرد روی کاغذ نیست؛ این یک زنگ خطر بی‌صدا و خزنده برای آینده اقتصادی، پویایی اجتماعی و انسجام نسلی کشور است که پیامدهای پرشتک ناپذیر آن در بلندمدت آشکار خواهد شد. امروز فرزندآوری در مرز باریک میان "حق فردی" و "ضرورت اجتماعی" ایستاده است؛ موقعیتی چالش برانگیز که جامعه را ناگزیر می‌کند فراتر از راه‌حل‌های موقت و مادی، به بازاندیشی در این نقطه تلاقی بپردازد. جایی که فرزندآوری باید از یک کنش زیستی و فردی، به یک عنصر زنده و پویا در فرهنگ اجتماعی تبدیل شود.

این یادداشت تحلیلی تلاش می‌کند با نگاهی واقع‌بینانه و به دور از شمارزدگی، ابعاد مختلف این کلان‌مسئله را واکاوی کند. ابتدا با طرح این پرسش کلیدی که "آیا فرزندآوری یک ضرورت اجتماعی است یا انتخاب شخصی؟" به سراغ ریشه‌های جمعیتی و نگرشی آن می‌رویم، سپس با عبور از سدّ موانع فرهنگی و ساختاری، راهکارهای نهادینه‌سازی و نقش حیاتی نهادهای

اجتماعی را بررسی خواهیم کرد.

بخش اول: فرزندآوری، یک ضرورت اجتماعی یا انتخاب شخصی؟

برای پاسخ به این پرسش که فرزندآوری یک ضرورت اجتماعی است یا انتخاب شخصی لازم است سه عامل مهم شامل چالش‌های جمعیتی کشور، تغییر نگرش‌ها با نسبت به فرزندآوری و ضرورت فرهنگ‌سازی در زمینه فرزندآوری مورد بررسی قرار گیرند.

الف- چالش‌های جمعیتی کشور

در سال‌های اخیر، سرعت کاهش نرخ فرزندآوری در ایران به یکی از چالش‌های راهبردی تبدیل شده است. بنابر گزارش‌های رسمی، نرخ باروری کل در کشور به کمتر از ۷۷ فرزند برای هر زن رسیده است؛ آمارها به ما می‌گویند نرخ باروری در کشور به زیر سطح جانشینی رسیده است؛ اما پشت این ارقام سرد ریاضی، یک واقعیت گرم و زنده جریان دارد. ما با نسلی موجهیم که دیگر فرزندآوری را یک باید هنجاری یا تکلیفی سنتی نمی‌داند، بلکه آن را در تراوی سود و زیان شخصی و آزادی‌های فردی می‌سنجد. وقتی مادری با پدروی کردن در ذهن جوان امروز به معنای پایان رشد فردی تعبیر شود، هیچ بخش‌نامه و مشوق مقطعی نمی‌تواند این گره ذهنی را باز کند.

افزایش جمعیت سالمندان، کاهش جمعیت در سن کار، کاهش پویایی اجتماعی، تهدید انسجام نسلی و اختلال در ساختار اقتصادی خانواده‌ها و نظام بازنشستگی از مهم‌ترین تبعات این روند به‌شمار می‌آیند.

پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد در صورت تداوم این روند، تا دو دهه‌ای آینده، کشور با پدیده‌ی سالمندی زودرس مواجه خواهد شد؛ به این معنا که بخش بزرگی از جمعیت، در دهه‌ی شصت زندگی خود خواهند بود، درحالی‌که نیروی مولد کافی برای تأمین نیازهای آن‌ها وجود نخواهد داشت. نکته‌ی نگران‌کننده‌تر آن است که این تحولات جمعیتی، به‌طور خزنده و بی‌سروصدا رخ می‌دهند و در کوتاه‌مدت محسوس نیستند؛ اما پیامدهای آن در میان‌مدت و بلندمدت بسیار گسترده، پرهزینه و برگشت‌ناپذیر خواهند بود.

در چنین شرایطی، فرزندآوری دیگر تنها یک انتخاب شخصی یا خانوادگی نیست، بلکه به مسئله‌ای راهبردی برای آینده‌ی کشور تبدیل شده است. برنامه‌ریزی مؤثر برای مدیریت این وضعیت، مستلزم نگاهی فراتر از سیاست‌های تئوریک و وظیفه‌ی خانوادگی محسوب می‌شد، اکنون بیش ازپیش به انتخابی فردی، سبک زندگی یا تصمیمی وابسته به شرایط شخصی، تبدیل شده است.

در نگاه بسیاری از جوانان، فرزندآوری با مفاهیمی همچون آزادی فردی، رشد شخصی، ثبات اقتصادی و تعادل روانی در تقابل قرار گرفته است. افزون‌بر این، در شهرهای بزرگ و در میان طبقه متوسط تحصیل‌کرده، گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی، ایده‌آل‌گرایی در تربیت کودک و همچنین افزایش انتظارات از کیفیت زندگی خانوادگی موجب شده تصمیم به فرزندآوری به تأخیر افتد یا حتی کنار گذاشته شود.

از سوی دیگر، نگرش‌ها نسبت به مفهوم خانواده‌ی ایده‌آل نیز دچار دگرگونی شده است. خانواده‌ی کم‌فرزند یا حتی بدون فرزند، در ذهن برخی گروه‌های اجتماعی دیگر ناپذیرفتنی و غیراخلاقی نیست، بلکه نشان دهنده‌ی غفلتانی، کنترل و برنامه‌ریزی است. این تغییر نگرش‌ها

تصادی از تأثیر روندهای جهانی ناشی می‌شود و در بستر تحولات رسانه‌ای، گسترش شبکه‌های

اجتماعی و تضعیف هنجارهای سنتی تشدید شده است.

تغییر در اولویت‌های ارزشی نیز نقش مهمی دارد. برای بسیاری از زوج‌های جوان، تحقق خود، موفقیت شغلی، تجربه‌های فردی و ثبات روانی اولویت‌هایی هستند که نسبت به تجربه‌ی

مادری یا پدروی در رتبه‌ی بالاتری قرار می‌گیرند. در چنین فضای، فرزندآوری نه تنها ضرورتی بدیهی و فرهنگی به‌شمار نمی‌رود، بلکه گاه به منزله‌ی عاملی محدودکننده در مسیر رشد فردی تلقی می‌شود.

درمجموع، این تحولات نگرشی از آن‌رو اهمیت دارند که بیشتر وقت‌ها از سطح آگاهی و اراده‌ی فردی فراتر می‌روند و در ساخت اجتماعی معنا، روایت‌های رسانه‌ای، و نظام ارزشی جامعه ریشه دارند. ازاین‌رو، هرگونه سیاست یا برنامه برای ترغیب به فرزندآوری، بدون توجه به این لایه‌ی فرهنگی-معنایی به سطحی‌نگری و بی‌اثر بودن محکوم خواهد بود.

ج- ضرورت فرهنگ‌سازی در زمینه‌ی فرزندآوری

باتوجه به شرایط پیچیده‌ی جمعیتی و دگرگونی‌های ارزشی در جامعه‌ی امروز ایران، ضرورت فرهنگ‌سازی در زمینه‌ی فرزندآوری بیش از گذشته احساس می‌شود. فرهنگ‌سازی در این زمینه، به معنای بازآفرینی معنا، بازسازی ارزش و بازتولید روایت‌های هویتی دربارهِی فرزندآوری در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی است.

تحولات چند دهه‌ی اخیر نشان داده است سیاست‌گذاری‌های جمعیتی زمانی مؤثر هستند که در بستر فرهنگی مناسب و با درک عمیق از ذهنیت و زیست‌جهان مردم طراحی شوند. در فقدان چنین بستری، سیاست‌ها یا با مقاومت مواجه می‌شوند یا به رفتارهای ظاهری و ناپایدار می‌انجامند. ازاین‌رو، تمرکز بر تغییر نگرش‌ها باره‌را و روایت‌های اجتماعی دربارهِی فرزندآوری باید در اولویت قرار گیرند.

فرهنگ‌سازی مؤثر، به جای آنکه فقط از بالا به پایین و در قالب تبلیغات مستقیم باشد، باید

به شیوه‌ای اقناعی، تدریجی و مشارکتی انجام شود. در این فرایند، نقش‌نهادهایی مانند خانواده، رسانه، آموزش و پرورش، دانشگاه،

و نهادهای دینی و فرهنگی، کلیدی است. این نهادها می‌توانند در بازتعریف فرزندآوری به‌مثابه بخشی از هویت انسانی، اخلاقی و

تمدنی افراد جامعه نقش آفرینی کنند. از سوی دیگر، فرهنگ‌سازی موفق نیازمند آن است که به مسئله‌ی فرزندآوری نه فقط از منظر کمی و جمعیتی، بلکه از دریچه‌ی کیفیت

زندگی، معنا، رضایت‌مندی و پویایی اجتماعی هم‌نگاه شود. چنین رویکردی کمک می‌کند تا فرزندآوری در آذهان مردم به امری مطلوب، ارزشمند و متناسب با زندگی معنادار تبدیل شود.

درنهایت، باید تأکید کرد که بدون تغییرات فرهنگی عمیق، نمی‌توان انتظار داشت سیاست‌های حمایتی به نتایجی تأثیری پایدار در رفتارهای باروری داشته باشند. فرهنگ‌سازی در زمینه‌ی فرزندآوری، ضرورتی راهبردی است که زمینه‌ساز پایداری جمعیتی و نشاط اجتماعی خواهد بود.

بخش دوم: موانع فرهنگی و ساختاری در مسیر نهادینه‌سازی فرزندآوری

باید این واقعیت را بی‌پذیریم که وقتی جوانی در محاصره‌ی تصاویر کلیشه‌ای رسانه‌ها از "زن مستقل بی‌مسئولیت" قرار گرفته یا زیر بار دغدغه‌های معیشتی و ناامنی شغلی کمر خم کرده، نمی‌شود از او انتظار داشت نگاهی رمانتیک به فرزندآوری داشته باشد. موانع پیش‌روی خانواده‌ها، جزیره‌های جدا از هم هستند؛ وقتی رسانه‌ها حس دهنی تولید می‌کند و ساختار اجتماعی حمایتی از مادرِ شاغل نمی‌کند، میل درونی به فرزندآوری به سادگی

و نشاط اجتماعی خواهد بود. **بخش دوم: موانع فرهنگی و ساختاری در مسیر نهادینه‌سازی فرزندآوری**

باید این واقعیت را بی‌پذیریم که وقتی جوانی در محاصره‌ی تصاویر کلیشه‌ای رسانه‌ها از "زن مستقل بی‌مسئولیت" قرار گرفته یا زیر بار دغدغه‌های معیشتی و ناامنی شغلی کمر خم کرده، نمی‌شود از او انتظار داشت نگاهی رمانتیک به فرزندآوری داشته باشد. موانع پیش‌روی خانواده‌ها، جزیره‌های جدا از هم هستند؛ وقتی رسانه‌ها حس دهنی تولید می‌کند و ساختار اجتماعی حمایتی از مادرِ شاغل نمی‌کند، میل درونی به فرزندآوری به سادگی

و نشاط اجتماعی خواهد بود. **بخش دوم: موانع فرهنگی و ساختاری در مسیر نهادینه‌سازی فرزندآوری**

باید این واقعیت را بی‌پذیریم که وقتی جوانی در محاصره‌ی تصاویر کلیشه‌ای رسانه‌ها از "زن مستقل بی‌مسئولیت" قرار گرفته یا زیر بار دغدغه‌های معیشتی و ناامنی شغلی کمر خم کرده، نمی‌شود از او انتظار داشت نگاهی رمانتیک به فرزندآوری داشته باشد. موانع پیش‌روی خانواده‌ها، جزیره‌های جدا از هم هستند؛ وقتی رسانه‌ها حس دهنی تولید می‌کند و ساختار اجتماعی حمایتی از مادرِ شاغل نمی‌کند، میل درونی به فرزندآوری به سادگی

و نشاط اجتماعی خواهد بود. **بخش دوم: موانع فرهنگی و ساختاری در مسیر نهادینه‌سازی فرزندآوری**

باید این واقعیت را بی‌پذیریم که وقتی جوانی در محاصره‌ی تصاویر کلیشه‌ای رسانه‌ها از "زن مستقل بی‌مسئولیت" قرار گرفته یا زیر بار دغدغه‌های معیشتی و ناامنی شغلی کمر خم کرده، نمی‌شود از او انتظار داشت نگاهی رمانتیک به فرزندآوری داشته باشد. موانع پیش‌روی خانواده‌ها، جزیره‌های جدا از هم هستند؛ وقتی رسانه‌ها حس دهنی تولید می‌کند و ساختار اجتماعی حمایتی از مادرِ شاغل نمی‌کند، میل درونی به فرزندآوری به سادگی

و نشاط اجتماعی خواهد بود. **بخش دوم: موانع فرهنگی و ساختاری در مسیر نهادینه‌سازی فرزندآوری**

باید این واقعیت را بی‌پذیریم که وقتی جوانی در محاصره‌ی تصاویر کلیشه‌ای رسانه‌ها از "زن مستقل بی‌مسئولیت" قرار گرفته یا زیر بار دغدغه‌های معیشتی و ناامنی شغلی کمر خم کرده، نمی‌شود از او انتظار داشت نگاهی رمانتیک به فرزندآوری داشته باشد. موانع پیش‌روی خانواده‌ها، جزیره‌های جدا از هم هستند؛ وقتی رسانه‌ها حس دهنی تولید می‌کند و ساختار اجتماعی حمایتی از مادرِ شاغل نمی‌کند، میل درونی به فرزندآوری به سادگی

و نشاط اجتماعی خواهد بود. **بخش دوم: موانع فرهنگی و ساختاری در مسیر نهادینه‌سازی فرزندآوری**

باید این واقعیت را بی‌پذیریم که وقتی جوانی در محاصره‌ی تصاویر کلیشه‌ای رسانه‌ها از "زن مستقل بی‌مسئولیت" قرار گرفته یا زیر بار دغدغه‌های معیشتی و ناامنی شغلی کمر خم کرده، نمی‌شود از او انتظار داشت نگاهی رمانتیک به فرزندآوری داشته باشد. موانع پیش‌روی خانواده‌ها، جزیره‌های جدا از هم هستند؛ وقتی رسانه‌ها حس دهنی تولید می‌کند و ساختار اجتماعی حمایتی از مادرِ شاغل نمی‌کند، میل درونی به فرزندآوری به سادگی

نگاه‌فارن افزربه نقش پیام‌های متناقض دولت آمریکادر شکست دیپلماسی با تهران چگونه "ابهام راهبردی ترامپ، موتور تشدید جنگ با ایران شد

در صفحه ۸

عارف: دولت آماده‌واگذاری اختیارات بازار به اصناف است

معاون اول رئیس‌جمهوری از آمادگی دولت برای واگذاری اختیارات حوزه بازار به اتحادیه‌ها و اصناف خبر داد و گفت: دولت بازار را از خود جدا نمی‌داند و معتقد است بسیاری از امور، از جمله نظارت بر بازار، باید با مشارکت خود اصناف انجام شود و آنان در مقابله جدی با گران‌فروشی، احتکار و کم‌فروشی نیز کنار دولت باشند. به گزارش ایسنا، محمدرضا عارف در دیدار مدیران اتاق اصناف تهران، با اشاره به نقش تاریخی بازار در تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور، اظهار کرد: بازار همواره علاوه بر نقش اقتصادی، نقش فرهنگی و ملی داشته و در شکل‌گیری، پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی نقش‌آفرین بوده است.

وی اتحادیه‌ها و اصناف را حلقه ارتباطی میان مردم، حاکمیت و نهادهای نظارتی دانست و افزود: تجربه سال‌های گذشته نشان داده است اداره اقتصاد بدون مشارکت بخش خصوصی ممکن نیست. دولت به بازار اعتماد دارد و برای حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی، به همکاری اصناف نیازمند است.

معاون اول رئیس‌جمهوری با بیان اینکه دولت آماده واگذاری اختیارات حوزه بازار به اصناف است، تصریح کرد: اگر اتحادیه‌ها جایگاه واقعی خود را احیا کنند، می‌توانند در برخورد با تخلفات، تنظیم بازار و حتی تعیین مالیات صنوف نقش مؤثرتری ایفا کنند و دیگر نیازی به مداخله گسترده دستگاه‌های نظارتی نخواهد بود.

عارف با تأکید بر ضرورت تعامل بیشتر دولت و بازار، گفت: آماده تشکیل کارگروه‌های مشترک برای بررسی مشکلات اصناف، از جمله مسائل مالیاتی هستیم. مالیات باید با رعایت عدالت و متناسب با شرایط تولید و درآمد واحدهای اقتصادی دریافت شود و در عین حال با فرار مالیاتی نیز برخورد شود.

وی با بیان اینکه راهبرد دولت در دو سال گذشته، تأمین معیشت مردم، ایجاد ثبات نسبی در بازار و مهار تورم بوده است، افزود: این رویکرد در دو سال آینده نیز ادامه خواهد داشت و دولت معتقد است بسیاری از مشکلات اقتصادی با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و همکاری بازار قابل حل است.

معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به گران‌فروشی، احتکار و کم‌فروشی، گفت: با این ناهنجاری‌ها باید برخورد جدی شود و اصناف در این مسیر در کنار دولت باشند. از همراهی بازاریان در دو سال گذشته و به‌ویژه در شرایط جنگی قدردانیم. ایران با همکاری مردم و بازار بدون کمبود کالا اداره شد و دولت برای دو سال آینده نیز حتی برای بدترین شرایط برنامه‌ریزی کرده است، اما حفظ آرامش مردم همچنان اولویت اصلی خواهد بود. عارف با تأکید بر اینکه دولت اعتقادی به تقابل با بازار ندارد، تصریح کرد: اعتماد متقابل دولت و بازار شرط مدیریت موفق اقتصاد است و اصلاحات ساختاری نیز تنها با تعامل دولت، بخش خصوصی و اصناف و اصلاح تدریجی قوانین و مقررات به نتیجه خواهد رسید.

وی با اشاره به نوسانات نرخ ارز، گفت: افزایش نرخ ارز به سرعت در قیمت کالاها اثر می‌گذارد، اما با کاهش نرخ ارز، قیمت‌ها متناسب با آن کاهش نمی‌یابد و این روند باید اصلاح شود.



سرکوب می‌شود.

با تکیه بر آمارهای رسمی و تحولات فرهنگی، روشن است که روند نزولی نرخ باروری کشور نه فقط از عوامل اقتصادی، بلکه پیش از همه از تغییر در نگرش‌های ارزشی و گفت‌وگوهای حاکم بر سبک زندگی ناشی می‌شود.

نهادینه‌شدن رفتار اجتماعی، نیازمند پشتوانه‌های ذهنی، اقتصادی، اجتماعی و رسانه‌ای است. در ایران، باوجود دغدغه‌های رسمی نسبت به کاهش نرخ باروری، موانعی در سطوح گوناگون مانع از تبدیل فرزندآوری به یک فرهنگ فراگیر شده است. با تحلیل داده‌های رسمی

و یافته‌های پژوهشی، چهار دسته، شامل موانع ذهنی، موانع اقتصادی، موانع اجتماعی و موانع رسانه‌ای مانع اصلی در این زمینه شناسایی شده‌اند.

الف- موانع ذهنی: چالش در نگرش‌ها و ارزش‌های فردی

تغییرات نسلی در ایران، تحولات عمیقی را در نگرش به فرزندآوری ایجاد کرده است. یافته‌های علمی نشان می‌دهند که فرزندآوری دیگر به منزله‌ی یک رسالت طبیعی تلقی نمی‌شود، بلکه به‌مثابه انتخابی پرخطا و ره و گاه مزاحم سبک زندگی درک می‌شود. عواملی مانند افزایش فردگرایی، تصور منفی از مادری در میان زنان تحصیل‌کرده، اضطراب نسبت به آینده‌ی فرزندان و تمایل به کیفیت زندگی شخصی، همگی موجب تضعیف میل درونی به فرزندآوری شده‌اند.

ب- موانع اقتصادی: کافی نبودن حمایت‌های معیشتی و ساختاری

داده‌های مرکز آمار ایران برای سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که خانوارهای دارای فرزند دوم و سوم، در معرض فشارهای معیشتی بالاتری قرار دارند.

نبود مسکن مناسب، درآمد‌های ناپایدار، افزایش هزینه‌های آموزش، بهداشت و تغذیه و نبود بیمه‌های کارآمد مادر و کودک، مهم‌ترین موانع اقتصادی محسوب می‌شوند. همچنین، ناامنی شغلی به‌ویژه برای زنان نیز عامل دیگری برای تعویق یا عدم تصمیم‌گیری دربارهِی تولد فرزندان بیشتر است.

ج- موانع اجتماعی: ناهمخوانی ساختارهای جنسیتی و سبک زندگی با فرزندآوری

سبک زندگی جدید در کلان‌شهرها، با تمرکز بر رفاهیت شغلی، مصرف‌گرایی، تحرک فردی و کم‌رنگ شدن شبکه‌های حمایتی، شرایط مساعد برای فرزندآوری را تضعیف کرده است. نتایج برخی از پژوهش‌های علمی نشان داده‌اند فشار نقش‌های چندگانه بر زنان شاغل، تعارض بین مادری و پیشرفت فردی و نیز فقدان تسهیلات کافی برای مادران تحصیل‌کرده یا شاغل، از موانع مهم اجتماعی در فرزندآوری به‌شمار می‌آیند.

خانواده‌ای نیز به دلیل تغییر در ساختارهای خویشاوندی و تمایل به خانواده‌های هسته‌ای کوچک، کمتر نقش حمایتی سنتی را ایفا می‌کند.

د- موانع رسانه‌ای: پارامتری نادرست از فرزند، مادر و خانواده

رسانه‌ها در ایران، چه در قالب سریال‌ها و چه در قالب شبکه‌های اجتماعی، در بسیاری موارد تصاویر منفی یا کلیشه‌ای از فرزندآوری و مادری ارائه می‌دهند. برخی از پژوهش‌ها تأکید دارند که زن ایده‌آل در رسانه‌ها اغلب فردی مستقل، موفق و فاقد مسئولیت مادری پارامتری می‌شود. از سوی دیگر، دغدغه‌ها نقش مادری همچون خشکی، فشار روانی یا تنهایی مادران، در قالب طنز یا ترحم تصویر می‌شود که خود تأثیرات منفی بر نگرش عمومی دارد. رسانه‌های اجتماعی نیز با بازنشر تجربه‌های منفی از بارداری و فرزندپروری، هراس ذهنی از فرزندآوری را تشدید می‌کنند.

به‌طور کلی، فرهنگ‌سازی در حوزه‌ی فرزندآوری، نیازمند مداخله در سطح نگرش‌ها، ساختارهای حمایتی، سبک زندگی و رسانه است. نتایج پژوهش‌های علمی داخلی نشان می‌دهد که موانع موجود، به‌هم‌پیوسته و در حال تقویت یکدیگرند. بدون اصلاح هم‌زمان در حوزه‌ی ذهن، سیاست، جامعه و رسانه، امکان نهادینه‌سازی فرزندآوری به‌مثابه یک هنجار فرهنگی در جامعه‌ی معاصر ایرانی، فراهم نخواهد شد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: ابراهیم بهمنی جلالی

لیتوگرافی و چاپ شاخه سبز قم

تلفن تماس: ۰۳۳۸۵۵۰۰۳ – تلفکس: ۰۲۳۳۸۵۵۰۰۳

آدرس: خیابان شهدا– نبش خیابان پاستور

نگاه فارن افرز به نقش پیام‌های متناقض دولت آمریکا در شکست دیپلماسی با تهران

چگونه «ابهام راهبردی» ترامپ، موتور تشدید جنگ با ایران شد

راه دیگر، ابهام است. این روش نیز می‌تواند نتایج متفاوتی داشته باشد. اگر کشوری نداند واکنش رقیب چه خواهد بود، ممکن است از بیم پاسخ شدید، دست به اقدام نزند. اما ارسال پیام‌های بیش از اندازه متناقض، محاسبات طرف مقابل را مختل کرده و به سوءبرداشت‌هایی منجر می‌شود که می‌تواند بحران را ایجاد یا تشدید کند.



برداشت تهران از اهداف واشنگتن

به نوشته فارن افرز، عملیات نظامی آمریکا علیه ایران نمونه‌ای از همین وضعیت بود. ترامپ در مقاطع مختلف اهداف متفاوتی برای این عملیات برشمرد: از تضعیف توان موشکی و دریایی ایران گرفته تا جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای و پایان دادن به حمایت ایران از گروه‌های هم‌پیمان منطقه‌ای. او حتی در نخستین روز جنگ، از پرچیدن نظامی جمهوری اسلامی سخن گفت؛ موضعی که بعدها از سوی دیگر مقام‌های دولت آمریکا تکرار نشد و آنان صرفاً بر اهداف نظامی محدودتر تأکید کردند.

به اعتقاد نویسنده، این پیام‌های متناقض برای ایران اطمینان‌بخش نبود. تهران که از نیت واقعی واشنگتن اطمینان نداشت، بدترین سناریو را محتمل دانست؛ به ویژه آنکه در ساعات ابتدایی جنگ، رهبر معظم انقلاب اسلامی در حملات هوایی به شهادت رسیدند. از این رو، ایران با شلیک هزاران موشک و پهپاد به زیرساخت‌ها و پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه واکنش نشان داد.

اختلاف بر سر تنگه هرمز

به نوشته این تحلیلگر، ابهام تنها موجب تشدید جنگ نشد، بلکه تلاش‌ها برای پایان دادن به آن را نیز با مشکل روبه‌رو کرد. تفاهم‌نامه ژوئن با هدف توقف دریگری، بازگشایی تنگه هرمز و آغاز مذاکرات ۶۰ روزه تنظیم شده بود، اما به دلیل ادبیات مبهم آن ناکام ماند. در این سند، ایران متعهد شده بود «با حداکثر تلاش، شرایط عبور ایمن کشتی‌های تجاری را فراهم کند». آمریکا این بند را به معنای بازگشت کامل آزادی کشتیرانی تعبیر کرد، اما ایران آن را تأییدی بر حق حاکمیت

عضو کمیسیون اصل ۹۰:

مطمئنم غارت پول نفت بدون بده بستان میان چند حلقه ممکن نبود

پشت پرده تراستی‌های آلوده یک جریان است نه یک مدیر

نیز بابت تحویل پول نفت کشور ارائه نکرده‌اند. گفت: قطعاً کسانی که قرارداده‌ا را منعقد کرده‌اند، اگر در این کار تعلل کرده‌اند، باید پاسخگو باشند و سراغ آنها رفته‌ایم و خواهیم رفت. بنده سال‌ها در امور قضایی فعالیت داشتم‌ام و اطمینان دارم که تا زمانی که بده‌بستان‌ها و هماهنگی‌هایی میان افرادی که قرارداد را منعقد و تنظیم کرده‌اند، کسانی که تراستی‌ها را انتخاب کرده‌اند و تراستی‌هایی که امروز پول نفت را بازمنی‌گرداندند و می‌گویند «من دیگر ضمانتی ندارم، وجود نداشته باشد، چنین اتفاقی رقم نمی‌خورد.

عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس افزود: امروز کشور ما برای بحث کالابریک، معیشت مردم و راندازی امور مردمی که با وجود همه مشکلات، این‌همه پای کار نظام و انقلاب ایستاده‌اند، محتاج چندین میلیون دلار است؛ اما در عین حال می‌بینم چند صد میلیون دلار پول نفت به کشور بازمنی‌گردد. این موضوع اصلاً قابل مضم نیست.

وی گفت: معتمد در پرونده تراستی‌ها موضوع یک شخص یا یک مدیر نیست. آنچه درباره تراستی‌ها مطرح بوده، این



است که آنها در شرایط تحریم به کشور کمک کنند. در این میان، بسیاری از افراد این اقدام را براساس قانون و قاعده انجام داده‌اند. اما یک گروه و جریان نیز وجود دارد که باید ردیابی و شناسایی شوند. دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی باید این افراد را شناسایی کنند و سیستم قضایی نیز باید آنها را محاکمه کند.

وی ادامه داد: کسانی بودند که در این زمینه سوءاستفاده کردند و این سوءاستفاده تنها مربوط به یک فرد یا یک مدیر نیست، بلکه روندی داشته است. یکی از تراستی‌ها گفته است: «ضمانت‌نامه‌ای نداده‌ام برای اینکه پاسخگو باشم.» سؤال مهم این است: آن کسی که باید ضمانت‌نامه را می‌گرفت، چرا نگرفته است؟

عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس تأکید کرد: در واقع باید به این فرآیند رسیدگی شود و این فاجعه نمی‌تواند کار یک فرد باشد. آنهايي که تخلفی انجام داده‌اند، قطعاً باید پاسخگو باشند و محاکمه آنها حق ملت ایران است.

دوستعلی با بیان اینکه تراستی‌ها اقتصاد کشور را هدف قرار داده‌اند، اظهار داشت: دشمن پیش از جنگ ۴۰ روزه، جنگ اقتصادی علیه ما را آغاز کرده بود. قطعاً کسی که از روی غرض و مرض پول نفت کشور را بازنگردانده است با دشمن همکاری کرده است و باید پاسخگو باشد.

خود بر تنگه هرمز دانست و تنها بازگشایی بخشی از مسیر را مدنظر قرار داد.

در پایان ژوئن، ایران به کشتی‌هایی که از مسیرهای مورد تأیید تهران عبور نمی‌کردند هشدار داد و به سوی برخی از آنها تیراندازی کرد. واشنگتن این اقدام را نقض آتش‌پس تلقی کرد و به حملات متقابل دست زد. همین الگوی اقدام و واکنش بار دیگر در اواسط ژوئیه تکرار شد و دریگری‌ها تا امروز ادامه یافته است.

ابهام ناشی از ندادنن راهبرد

هرچند همه جنگ‌ها با نوعی «مه جنگ» همراه هستند، اما جنگ ایران از نظر میزان ابهام وضعیت متفاوتی دارد. بخش مهمی از این ابهام نه حاصل یک راهبرد حساب‌شده، بلکه ناشی از ناتوانی واشنگتن در تعیین وضعیت مطلوب نهایی است. در حالی که ابهام هدفمند می‌تواند رقیب را سردرگم کند، ابهام ناشی از اختلافات داخلی معمولاً موجب عقب‌نشینی مکرر از تهدیدها و کاهش اعتبار یک کشور می‌شود.در عین حال، نویسنده ادعا می‌کند همه مسئولیت متوجه دولت ترامپ نیست. مخالفت گسترده افکار عمومی آمریکا با جنگ نیز توان کاخ سفید برای ارسال پیام‌های معتبر را تضعیف کرده است. بر اساس نظرسنجی روزنامه واشنگتن پست و

مؤسسه اپیوسو در ماه ژوئیه، ۶۸ درصد آمریکایی‌ها معتقدند

این جنگ «ارزش جنگیدن ندارد.»

اختلاف با اسرائیل؛ عامل دیگری برای سوءبرداشت نویسنده همچنین به تفاوت اهداف آمریکا و رژیم اسرائیل اشاره می‌کند و آن را یکی دیگر از عوامل ابهام در سیاست واشنگتن می‌داند. به نوشته او، در آوریل، تهران و واشنگتن بر سر یک آتش‌بس دو هفته‌ای توافق کردند، اما مشخص نبود این توافق شامل اقدامات اسرائیل علیه حزب‌الله لبنان نیز می‌شود یا خیر. ایران معتقد بود رژیم اسرائیل باید حملات خود را متوقف کند، اما تل‌آویو این عملیات را خارج از چارچوب توافق دانست. حمایت آمریکا از موضع اسرائیل باعث شد تهران، واشنگتن را شریک مذاکراتی غیرقابل اعتماد تلقی کند و چند هفته بعد حملات موشکی علیه اسرائیل را از سر بگیرد.

راه خروج از بحران

در پایان این یادداشت آمده است که حفظ سطحی از ابهام در تعاملات نظامی محدود می‌تواند مسیرهایی برای کاهش تنش ایجاد کند. اما در مجموع، بهترین راه پایان دادن به جنگ، شفاف‌تر شدن اهداف آمریکا است. اهداف ایران روشن است: حفظ نظام سیاسی، بازدارندگی در برابر حملات آینده، حفظ کنترل بر تنگه هرمز، آزادسازی دارایی‌های مسدود شده و کاهش تحریم‌ها.

به اعتقاد لین-گرینبرگ، اگر واشنگتن مطالبات خود را دقیق‌تر و به شکلی منسجم مطرح کند، دو طرف خواهند توانست مذاکرات را بر محور اهداف مشخص‌تری پیش ببرند و زمینه دستیابی به توافقی پایدارتر فراهم شود.

یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۵ - ۱۸ صفر ۱۴۴۸ - ۲۰ آگوست ۲۰۲۶ - شماره ۷۸۰۴

یکشنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۵
اذان صبح: ۰۴:۳۱
طلوع آفتاب: ۰۵:۴۷
اذان ظهر: ۱۲:۰۷
غروب آفتاب: ۱۸:۲۸
اذان مغرب: ۱۸:۴۷
نیمه شب: ۲۳:۲۵

آفتابی

nasimgilan۷۶@yahoo.com

قالیابف:

شرط ایران قوی، وحدت حول محور ولایت است؛ ما در جنگ پیروز شدیم



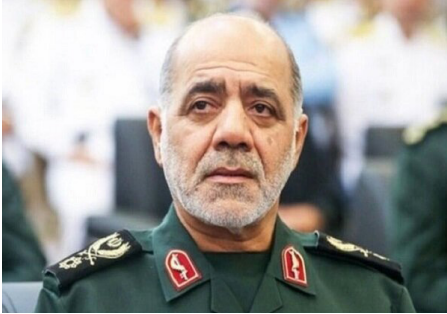
دستاورد نظامی خود را از نظر حقوقی و سیاسی به دست آوریم، آن را تثبیت کنیم و همه دنیا این واقعیت را ببیند، در غیر این صورت چگونه می‌خواهیم از این دستاورد استفاده کنیم؟

رئیس مجلس شورای اسلامی، با تأکید بر ضرورت هماهنگی همه عرصه‌های اداره کشور، گفت: من بحث فردی ندارم. ما چهار جبهه و چهار میدان داریم که باید همزمان و در کنار یکدیگر فعالیت کنند. بارها در مصاحبه‌ها نیز گفته‌ام که نباید این میدان‌ها را از یکدیگر جدا کنیم، چراکه جدا کردن آن‌ها به معنای ضعیف کردن ایران است و با این رویکرد، ایران قوی شکل نخواهد گرفت.

وی افزود: میدان نظامی یک میدان است، میدان دیپلماسی یک میدان دیگر است، میدان خدمت نیز جایگاه خود را دارد و میدان خیابان نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. این چهار عرصه باید در کنار هم، مکمل یکدیگر و به‌صورت متوازن عمل کنند.

سرلشکر عبدالهی:

هر کس خود را سپر آمریکا کند، در آتش جنگ می‌سوزد



فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) گفت: هر کشوری که خود را سپر آمریکا قرار دهد، در آتش جنگ خواهد سوخت.

سرلشکر علی عبداللهی فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا(ص) بااشاره به اقدامات اخیر آمریکا در منطقه گفت: آمریکا با شتابی فزاینده، مسیر اشراف‌ورزی فراگیر در جنگ منطقه‌ای را دنبال می‌کند. این رویکرد، برآیند یک راهبرد خطرناک با هدف توسعه و سلطه نامشروع در کل منطقه است.

وی افزود:آمریکای جانیکار در جنگ اخیر علیه ایران اسلامی ثابت کرد که در مسیر دستیابی به مقاصد و اهداف شیطانی خود، از هیچ‌گونه شرارت و ویرانگری علیه منافع و منابع مسلمانان پرهیز نمی‌کند.

سردار عبداللهی ادامه داد: کشورهای مسلمان منطقه باید بدانند که آمریکا با بهره‌گیری از سرمایه، ثروت، زیرساخت‌های حیاتی و منابع راهبردی آنان، به عنوان سپر دفاعی ارتش فرسوده خود و همزمان تقویت ماشین جنگی و امنیت رژیم کودککش و تروریست صهیونیستی بهره می‌برد.

فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا(ص) تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران و فرزندان شجاع و قهرمان ملت در نیروهای مسلح و جبهه مقاومت ثابت کرده‌اند که موازنه قدرت در منطقه دیگر از مختصات پیشین پیروی

رضایی:

هیچ کشوری دخالت آمریکا در تنگه هرمز را نمی‌پذیرد

به‌تنهایی درباره سرنوشت تنگه هرمز دخالت کند و هیچ کشوری چنین مداخله‌ای را نمی‌پذیرد.

رضایی با اشاره به ویژگی‌های خاص تنگه هرمز گفت: این تنگه با سایر تنگه‌های جهان متفاوت است، زیرا ورودی یک خلیج محسوب می‌شود و با تنگه‌هایی که میان اقیانوس‌ها یا دریاها قرار دارند، تفاوت دارد.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: آمریکا اساساً چه کاری با تنگه هرمز دارد و چرا باید وارد خلیج فارس شود. به همین دلیل، از این پس ورود آمریکا به این تنگه برای ما مشکوک است؛ چون در جنگ بودیم و همچنان هستیم.

وزارت خارجه روسیه:

اروپا آشکارا برای جنگ با روسیه آماده می‌شود

نظامی‌سازی اروپا و به‌ویژه آلمان برای روسیه تازگی ندارد. او تأکید کرد که مسکو گرایش‌های موجود در اتحادیه اروپا را مشاهده می‌کند و برنامه‌های خود را متناسب با آن اصلاح خواهد کرد.این دیپلمات با اشاره به اینکه تلاش کشورهای اروپایی برای نادیده گرفتن نظامی‌سازی آلمان شگفت‌آور است و این همان «سکوت بره‌ها» است، افزود: «برای ما، البته، این روند نظامی‌سازی محرمانه نیست. ما به خوبی از این وضعیت اطلاع داشته و برنامه‌های خود، از جمله برنامه‌های نظامی – سیاسی و برنامه‌های توسعه نظامی را متناسب با آن اصلاح خواهیم کرد. ولی موضوع شگفت‌آور اینجاست که اروپا در این باره سکوت می‌کند.»

کره شمالی:

ناتو در حال آماده‌سازی بی‌سابقه برای جنگ است

و توسعه شبکه خطوط لوله و تأسیسات ذخیره‌سازی سوخت نظامی این ائتلاف، که از دوران جنگ سرد به جا مانده، در سراسر اروپا اجرا خواهد شد .پیونگ‌یانگ بیان کرد که هرچند کشورهای عضو ناتو در ابتدا بر سر هزینه‌های بالای این طرح اختلاف نظر داشتند، اما در نهایت به توافق رسیدند .موضوعی که به گفته کره شمالی نشان می‌دهد این ائتلاف، ایجاد ذخایر راهبردی برای جنگ را یک ضرورت حیاتی می‌داند.